

بخت کج دیواره‌های تاریخی خلع

زهر فاطرا یک کیلومتر جلوتر از آخرین تابلوی خیابان «سیدی» تابلویی باعنوان «روستای خلج» دیده می‌شود؛ روستایی که به گفته اهالی و موسفیدکرده‌هایش، عمری صدساله و شاید بیشتر دارد؛ اما آنچه که ما را به این سو کشانده است این روستا و قدمتش نیست؛ ما برای دیدار با بقایای یک عمارت قدیمی به اینجا آمده‌ایم؛ بنایی که آن را هم عصر صفویه در ایران می‌دانند ولی این میراث کهن گویا این روزها در نبود توجه‌ها، ویرانه‌ای بیش نیست. سطرهای بعدی روایت دیدار ما از این بنا و نظر مسئولان درباره وضعیت آن است.

- تاریخی، با شماره ثبت ملی، ولی رهاشده

بالتر از روستای خلج، وقتی می‌خواهی به سمت ارتفاعات «هفت حوض» بروی، در سمت راست، چند دیواره قدیمی و خرابه مانند وجود دارد که شاید هیچ‌کس گمان نکند بقایای یک بنای ارزشمند و تاریخی از دوران صفویه باشد؛ بنایی که محلی‌ها به آن «اقامتگاه تاریخی خلج» می‌گویند و نامش هم با همین عنوان در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است ولی تاکنون جز چند ترمیم ساده برای این یادگار برجای مانده از تاریخ، گویا کار چندان دیگری صورت نگرفته است. برای معرفی این بنانیز در چندمتری‌اش تابلویی نصب کرده‌اند که این اطلاعات روی آن درج شده است؛ «این اثر در تاریخ ۲۴تیر ۱۳۸۲ با شماره ثبت ۹۲۴۸ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.» در این تابلو از ماهیت و مدل استفاده آن و مسیرهایی که به این اقامتگاه ختم می‌شود، اطلاعاتی وجود ندارد؛ اما این تابلوی ثبت ملی می‌تواند نشانی از اهمیت موضوع و این اقامتگاه تاریخی در شهر مشهد باشد که لازم است توجه بیشتر و تخصصی‌تری به آن شود.

اقامتگاهی تاریخی بر بلندی‌های خلج

است و متوهمان گنج‌یاب به هوای رفتن ره صدساله، یک‌شبه در اطراف بنا چاله‌ها کنده‌اند ولایه‌های تاریخی‌ای را که می‌توانست گره‌گشای پی‌بردن به اسرار آن باشد، به‌اصرار برای یافتن گنج‌یابود کرده‌اند. در کل، مطالعات بنا و کاوش در آن به دلیل قرارگرفتن در ملک شخصی و به‌توافق نرسیدن با میراث‌فرهنگی، صفر است و متأسفانه به‌دسترسی نمی‌دانیم کارکرد این بنا با آن پلان شگفت‌انگیز چه بوده است. حتی اوضاع مرمت آن هم چنگی به دل نمی‌زند و آسیب‌دیدن بنا از زمان ثبت ملی‌شدن تا امروز، در تصاویر موجود کاملاً مشهود است.

- پلان باشکوه، تنها بازمانده

دیوارهای اقامتگاه خلج روزبه‌روز آب می‌شوند و بعید نیست تا چند سال دیگر فقط پی این بنای سنگی باقی بماند؛ هر چند اکنون هم چیز چندان‌ی از آن دیوارهای سنگی، طاق‌های جناغی و طاقچه‌های آجری‌اش باقی نمانده است. پلان اقامتگاه خلج مربع شکل است

گرفت که در نبود رسیدگی‌ها، باران به‌مرور دیواره‌ها را شسته است. همچنین خاک باگل ولای آورده‌شده با وزش باد‌ها و گذر سیل‌ها نیز در کنار پایه دیوارها انباشته شده و از قد دیواره‌ها کاسته است.

- اهالی از اینجا چه در خاطر دارند؟

از بنا فاصله می‌گیریم، در پایین‌دست با حدود دویست متر فاصله از این بنای تاریخی، یک خانه باغ کوچک در حال بهسازی دیده می‌شود و چند نفری مشغول کارند. یکی از محلی‌ها که در حال بنایی است، وقتی از دلیل حضور ما آگاه می‌شود، می‌گوید: «آن‌طور که از قدیمی‌ها شنیده‌ام، اینجا در گذشته استراحتگاه سران و پادشاهان بوده است و قدمتش به دوره قاجار می‌رسد. البته برخی هم می‌گویند که هم عصر دوره صفوی است.»

علی‌آقا که چهل سالی سن دارد و از کودکی در این روستا زندگی کرده است، دیگر محلی حاضر در این حوالی است که حرف را می‌برد به چاله‌های کنده‌شده میان دیواره‌های این بنای تاریخی و چنین توضیح می‌دهد: «عده‌ای برای پیدا کردن گنج، طمع کرده‌اند و حاصلش



عکس عماد مستشاری از شهرآر

شده است این سوراخ‌ها. گاهی شب هنگام از اینجا می‌رویم و صبح وقتی برمی‌گردیم، می‌بینیم گودالی عمیق حفر شده است. این مسئله به‌خاطر پیدا کردن گنج است و گرنه من این بنا را از بچگی اینجا دیده‌ام و تا همین چندسال قبل هم سقفی گنبدی شکل داشت و ارتفاع دیواره‌هایش بلندتر از امروز بودند، اما معماری آن به‌خاطر وجود همین افراد سود جو از بین رفته است. البته بارش باران و نبودرسیدگی به آن هم مزید بر علت شده تا این بنای تاریخی در معرض نابودی قرار بگیرد.» اودرامده‌ام هم می‌گوید: «همین چندسال پیش عده‌ای آمدند و کمی به دیوارها شن و ملات زدند تا محکم‌تر شود، ولی بعد از آن انگار اینجا از یاد‌ها رفت. پس از آن ما دیگر ندیدیم که مسئولی به اینجا بیاید.» این بومی روستای خلج، مانند دیگر هم‌ولایتی‌هایش درباره قدمت این بنا می‌گوید: «حرف‌های زیادی در این باره زده شده است، ولی خودمان اطلاعات دقیقی نداریم. عده‌ای می‌گویند این بنا مربوط به دویست سال پیش است، البته قدیمی‌ها عمر آن را ناصد سال تخمین می‌زنند و بر این زمان تأکید دارند.»



یکی از طاقچه‌های هشتی مرکزی



اتاق گوشه جنوب شرقی

اتاق حدود پنج در چهار متر است و به‌نظر می‌رسد پوشش این ورودی‌ها از طاق‌های جناغی بوده است. در چهار گوشه بنا هم چهار اتاق نشیمن طراحی شده است که اندازه این اتاق‌ها چهار در سه متر است و هر کدام از این اتاق‌ها نیز دو ورودی یا خروجی دارند که از میان ایوان‌های چهارگانه بازمی‌شوند. به‌نظر می‌رسد سقف همه اتاق‌ها پوشیده بوده؛ اما اکنون تنها قسمتی از طاق‌های ورودی آن به‌جامانده است. در قسمت‌های مختلف ساختمان نیز چندین طاقچه که باعث زیبایی‌ی نما شده است، وجود دارد و در مجموع ۹ طاقچه در کل بنا تعبیه شده است. مصالح به‌کار رفته در دیوارها شامل سنگ و ملات گچ است. یکی دیگر از نکات جالب توجه در این بنا تقارن و تناسب به‌کار رفته در ساخت بناس‌ت که این موضوع در معماری دوره صفویه مشهود است.»

با این کارشناس از رسیدگی نشدن به بنایی چنین

از نظر تاریخی ارزشمند نیز صحبت می‌کنیم، طفرایی

می‌گوید: «متأسفانه هم اکنون این ساختمان داخل

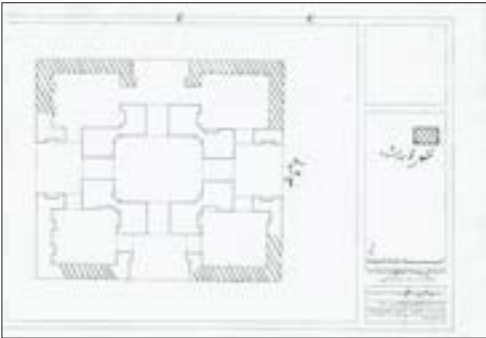
ملک شخصی قرار دارد و تا مالک اجازه ندهد، ما کار



نمای از ضلع شمالی بنا



نمای از ضلع شرقی که بقایای دیوارهای تخریب شده در آن دیده می‌شود



نمای از بنا از آن که قسمت‌های تخریب شده در آن هاشور خورده است



گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت صد و چهل و پنجم)

«مسیو لولو» و نخستین فضای سبز مدرن در مشهد



نمای از باغ ملی مشهد-۱۳۲۰ خورشیدی

مرضیه ترابی‌ا مشهد با وجود قرارگرفتن در اقلیمی نسبتاً خشک، از دیرباز به‌دلیل وجود باغات و فضا‌های سبز و مشجر، شهرت داشته است و این مسئله در نوشته‌های جهانگردان و خارجی‌هایی که از این شهر بازدید کرده‌اند، بازتابی تمام دارد. خانیکوف که در اواخر دهه ۱۲۲۰ خورشیدی گذرش به مشهد افتاده است، این شهر را مانند جزیره‌ای سرسبز در میان بیابانی لم‌یزرع توصیف می‌کند و می‌نویسد: «گنبد‌های طلایی بقاع متبرکه مشهد بر فراز کمربندی از باغ‌های شهر سربرافراشته است.»

عکس‌های هوایی دهه‌های نخست قرن خورشیدی گذشته نیز نشان می‌دهد که در اکثر خانه‌های شهر ما، درخت و حتی باغچه‌هایی کوچک وجود داشته است. در اطراف شهر نیز فضا‌های سبز و تفرجگاه‌هایی که به‌دلیل وجود درختان سر به‌فلک کشیده و گل و گیاه شهرت داشتند، کم نبود.

در تاریخ معاصر مشهد می‌توان رد و نشانی از وکیل آباد، باقرآباد، باغ‌های نکاح و مانند آن‌ها نیز یافت. این فضا‌های سبز، عموماً طراحی سنتی داشتند و به‌ویژه در باغ‌های خصوصی و منازل اعیانی، چشم‌نوازی می‌کردند. این‌گونه باغ‌ها در منطقه بالاخیابان و سراب بیشتر دیده می‌شدند؛ با این حال نخستین طراحی مدرن فضای سبز در شهر مشهد تا سال ۱۳۳۳ قمری (۱۲۹۴ خورشیدی) اتفاق نیفتاد. در این سال رئیس وقت اداره مالیه خراسان، شخصی به نام «مسیو لولو» از اهالی بلژیک بود که ظاهراً علاقه فراوانی به ایجاد فضای سبز و باغ‌آرایی داشت. با نظارت او و البته رغبت اهالی شهر، در مرکز میدان بزرگ ارگ، فضای سبز ویژه و مدرنی ایجاد شد و آن را با شیوه‌ها و الگوهای جدید، مشجر کردند. طبق آنچه در روایت کتاب «گزارش مکتب‌شاپور» که روایتگر اوضاع شهر مشهد در سال ۱۳۱۳ خورشیدی است، ذکر شده است: «ارگ امروزی دارای میدانی است که خیابانی از طرف غربی آن می‌گذرد. در سه قسمت دیگر میدان نیز سه خیابان سواره‌احداث شده‌است. وسط میدان در سال ۱۳۳۲ قمری و در زمان ریاست مسیو لولو به اهتمام مشارالیه مشجر گشته و از سال ۱۳۰۷ هم اطراف آن کل کاری شده است. بعداً اشجار دیگری نیز کاشته شده است. در وسط میدان آلاچیقی است که سابقاً محل موزیکچیان بوده و اکنون کافه است.»

درباره موسیو لولو و زندگی او اطلاعات چندان‌ی در دست نداریم. ورود بلژیکی‌ها به سازمان اداری و مالی ایران، در دوره قاجار اتفاق افتاد. روسیه تزاری از کارشناسان بلژیکی برای کنترل کمکر شمال ایران که امتیاز آن را در اختیار گرفته بود، استفاده می‌کرد؛ به‌همین دلیل بلژیکی‌ها در میان مردم چندان محبوب نبودند؛ اما با پیروزی انقلاب مشروطه، تعدادی از آن‌ها جذب نهادهای اداری ایران شدند و ظاهراً مسیو لولو یکی از آن‌ها بود. در واقع این بلژیکی‌ها برای نهادهای تازه‌تأسیس پس از پیروزی مشروطه، حکم مستشار را داشتند. به‌رحال با تأسیس نخستین فضا‌های سبز و مشجر با الگوی مدرن در مشهد، به‌تدریج این الگو در دیگر مناطق شهر نیز توسعه پیدا کرد و در دهه ۱۳۰۰ خورشیدی، با گسترش یافتن شهر به سمت جنوب، فضا‌هایی نظیر فضای محوطه کوهسنگی، با همین شیوه مدرن تزئین و آرایش شد و مردم مشهد به‌تدریج با چنین فضایی خو گرفتند و به آن عادت کردند. شیوه‌های مدرن ایجاد فضای سبز، امروزه نیز در توسعه چنین فضا‌هایی در شهر مشهد کاربرد گسترده‌ای دارد.

اخبار قدیمی

بازار کفش و «گالوش»‌های آمریکا و انگلیس



فرخ‌اورد کالاهای چینی به بازار ایران در یک دهه اخیر سبب کسادی و حتی از بین رفتن مشاغل و تولیدی‌های داخلی فراوانی شده است؛ مشکلی که هر چند وقت یک بار تیر اخبار رسانه‌ها هم می‌شود؛ اما نکته جالب اینجا ست که این موضوع براساس اطلاعات مندرج در روزنامه‌های قدیمی، گویا تا رگی ندارد و ورود کالا از خارج در گذشته نیز تولیدات وطنی را با مخاطراتی روبه‌رو کرده است. روزنامه آزادی در بهمن ۱۳۰۶ خورشیدی در خبری با عنوان «صنف کفاش» می‌نویسد: «نظر به اینکه چندی است کفش و گالوش زیاد از خارجه وارد مشهد شده، به صنف کفش دوز طلمه شدیدی خورده است. عده زیادی از [تولیدات این صنف] از میان رفته و دکان‌ین آن‌ها بسته شده است.» مخبر روزنامه آزادی در ادامه تأکید می‌کند که اگر جوانان ایرانی به وطن پشت‌پا بزنند و کفش خارجی پاکند، ۱۰ هزار نفر در مشهد شغل خود را از دست خواهند داد؛ «اگر چندی این حال ادامه یابد، به‌کلی این صنف محوشده و تنها در مشهد، ۱۰ هزار نفر بیکار و بی‌ن‌ان و غذا خواهند شد. امیدواریم جوانان وطن پرست مانیز قدری به‌خود آمده، مال اجنبی راه به‌صرف‌اینکه از خارجه آمده، بر متاع بسیار نفیس وطن خود ترجیح نداده، مخصوصاً برای اینکه از یک صنف مهم مملکت خود تقویت کنند، کفش‌های خارجه و گالوش‌های آمریکا و انگلیس را نخرند.»

این خبرنگار نویس در پایان نیز با اشاره به مسئولان و مقامات بی‌درد و بی‌خیال وقت می‌گوید: «ما متحیریم روی سخن را به‌کدام مقام نموده و برای حمایت یک صنف بزرگ استمداد کنیم، هرکس خود را مسئول این قضایا می‌شناسد، امیدواریم برای رضای خدا و خلق اقدامی در جلوگیری از این شکست و طلمه بزرگ بنماید.»



مخبر روزنامه آزادی در خبری با عنوان «صنف کفاش» می‌نویسد: «نظر به اینکه چندی است کفش و گالوش زیاد از خارجه وارد مشهد شده، به صنف کفش دوز طلمه شدیدی خورده است. عده زیادی از [تولیدات این صنف] از میان رفته و دکان‌ین آن‌ها بسته شده است.» مخبر روزنامه آزادی در ادامه تأکید می‌کند که اگر جوانان ایرانی به وطن پشت‌پا بزنند و کفش خارجی پاکند، ۱۰ هزار نفر در مشهد شغل خود را از دست خواهند داد؛ «اگر چندی این حال ادامه یابد، به‌کلی این صنف محوشده و تنها در مشهد، ۱۰ هزار نفر بیکار و بی‌ن‌ان و غذا خواهند شد. امیدواریم جوانان وطن پرست مانیز قدری به‌خود آمده، مال اجنبی راه به‌صرف‌اینکه از خارجه آمده، بر متاع بسیار نفیس وطن خود ترجیح نداده، مخصوصاً برای اینکه از یک صنف مهم مملکت خود تقویت کنند، کفش‌های خارجه و گالوش‌های آمریکا و انگلیس را نخرند.»